





### شوخی یا مطبوعات

شوق: اهل استغفار نیستم

امداد: علام آماده ایران پروردی مردم طلاق کسرا

در عراق

عریقی، افریقایی یا سواخایلی حرف بزند.

زارها و باشد ایلیت یا مختفلی

دارند: عربی، افریقایی و ایرانی. گاهی

اوچات زارها به زبانی حرف می‌زنند تا بعد!

امداد: در ۴۰۰ ساله کاروانسرایی مبین به آتش

فکله شد

نمی‌شناشند. مانند زیان زار یا بازار یا زار با خود بزند.

همچنان: بفرما اینها به نمونه دیگه از مرمت هایکه

انجام دادن!!

شوق: امسفلد در عراق گفت چرت و برت های

روزگارها را منی خوش

آس و پاس: خداها نکر که خودت هم فرمیدی هر

چیزی که باد بدن شخص دعوت شد

امداد: مازار یا زن بیده پیسم

بیافت: بفرند زمان و آگاه باش با گوشت کلیولی

۵۰٪ نمی‌شوند.

امداد: ۲۰۰ میلیون در توانمند اختیار نزیشتیان

آس و پاس: کورس آگه من بک روشن رو بدم!

چون: مشکل ایضاً تلقی خواهد شد.

هدچان: بجهت میگش که کدام از زار با قول دهد

جیرجیر: مگه مشکل بقیه نفاط حل شده!

شوق: گهواره باز باز با باز

کلاغ: برسیه را لایل

کلاغ: برسیه و چشم زاغی

به رسخ خود غذایی بخته بودش

نخود: با لوپا و لبه بودش

چور قند: رسخ سفره نشسته

توانش: را نویه بخود بخودن

مرتب: زاغ با منقار نیزش

بیلعدی: آن خدا با خود و ریش

جو روه: باز دیگر سفره آزاست

تلانی: کرد و عذر زاغ را خواست

غذایی: بخت عنی اب خوردن

نیوش: زاغ رسماً روباه

بیلعنای: بخت عنی آن بهره بردن

نیوش: زاغ رسماً روباه

بیلعنای: بخت عنی آن بهره بردن

چراز: اولش بودی تو غافل

تو: این بنز رگان را بدی گوش

مکن: این قصه راه هرگز فراموش

کند: همچنین با همچنین پرواز

کوتی: سپا کوتور باز باز

اردش: ماندگاری

جدول: با جایزه

بلار از خوش و خوشی

شاهرخ و خوشی برای همکاری مسماهشان در

تمهی: ۱۷ هجدهم جدولی که در سال اسماهشان در به

چاپ: رسید. همچنانه در این امداد به

حاج: طرق خود را در این زمینه برخوانده که

دارندند: نزدیک این حدود های خود اخواه دند.

تمام: شده بروای این حدود های خود تو سطخ خودشان

برخادت شده بود که سپس اینها را در میان

قدیمی اشان گردید.

ادهای: خوش چاله که ای ای ای



